



راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه)

حسن علی یاری^۱ | محمد رضا رنجبر^۲

چکیده

با شروع بیداری اسلامی و حرکت‌های موسوم به بهار عربی و به دنبال آن تنش‌هایی که در منطقه غرب آسیا ایجاد شد، موقعیت و چیدمان قدرت کشورهای این منطقه را دستخوش تغییراتی کرد. در این بین بحران و جنگ داخلی عراق و سوریه را می‌توان مجزا و یک تنش متفاوت به نسبت سایر مشکلات امنیتی ایجاد شده در خاورمیانه تلقی کرد. چراکه در این بحران کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به شکل جدی و قدرتمند در صدد رسیدن به منافع ملی خود برآمدند. در بین این کشورها راهبرد سیاست خارجی ایران با هدف تأمین حداکثری منافع ملی و استفاده از ظرفیت‌های موجود دست به اقدامات اساسی در این خصوص به منظور حفظ منافع ملی خود استفاده نمود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی در صدد بررسی تأثیر بحران‌های غرب آسیا بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران انجام شده و اطلاعات لازم را از منابع اینترنتی و مقالات جمع‌آوری کرده است. مسأله اصلی این پژوهش این است که ج.ا.ایران در قبال بحران‌های خاورمیانه به ویژه عراق و سوریه چه راهبرد هوشمندانه‌ای را در پیش گرفته است. یافته‌های نهایی این پژوهش بیان می‌دارد که، مشکلات امنیتی - سیاسی ایجاد شده در خاورمیانه باعث پررنگ شدن نقش جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای منطقه شده و نمونه آن، حضور ایران در اجلاس منطقه‌ای به منظور حل بحران به رغم مخالفت‌های آمریکا، همگرایی با کشورهای عضو محور مقاومت در بعد سخت افزاری و نرم افزاری، ایجاد بسیج مردمی به منظور تأثیرگذاری و جذب مردم این کشورها در راستای تأمین امنیت و منافع محور یاد شده، در دست گرفتن ابتکار عمل نظامی در مقابل رقبای منطقه‌ای خود در خاورمیانه نمونه‌هایی از راهبرد هوشمندانه ایران به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، جایگاه ایران، قدرت هوشمند، راهبرد سیاست خارجی، مجموعه امنیتی

DOI: 10.27834/CSIW.2405.1401.3.34.1

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران | aliyari@pnu.ac.ir

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران | mrranjbar.dr@pnu.ac.ir

استناد: علی یاری، حسن و رنجبر، محمد رضا. (۱۴۰۳). راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه). *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۳ (۳۴)، ۱-۲۱.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

برای بررسی وضعیت ایران در محیط امنیت منطقه‌ای باید به جایگاه جمهوری اسلامی در خاورمیانه توجه کرد. خاورمیانه یکی از مناطق ژئوپلیتیک مهم جهان است که به دلیل وجود «ذخائر عظیم نفت و گاز»، «بازار عظیم مصرف» و «حضور اسرائیل» همواره دارای منازعه و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای بوده است. از دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی، چگونگی ایجاد موازنه قوا در خاورمیانه باعث ایجاد رقابت‌های گسترده منطقه‌ای و نیز جولان قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. نیاز جهان صنعتی به منابع انرژی مطمئن و همچنین نیاز به داشتن منابعی مستقل در مقابل ذخائر انرژی روسیه موجب شده است تا کشورهای غربی همواره به حضور نظامی در کنار چاه‌های نفت بیندیشند. آن‌ها همواره برای تأمین امنیت خطوط کشتیرانی اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و در ۳۰ سال اخیر با استقرار کشتی‌های جنگی خود در مسیر انتقال انرژی در خلیج فارس، رأساً حفاظت از جریان نفت را بر عهده گرفته‌اند. در حال حاضر، کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر نقش مهمی را در تحولات منطقه خاورمیانه ایفا می‌کنند و نمی‌توان هیچ یک از آن‌ها را در معادلات منطقه‌ای نادیده گرفت.

البته نقش مهم این کشورها به‌ویژه ایران مربوط به این دوره نمی‌شود و همواره در ادوار مختلف تهران جایگاه مهمی را در این منطقه داشته است. تحولات سیاسی ایجاد شده از سال ۲۰۱۱ در عراق و سوریه عرصه‌هایی برای قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای فراهم نموده تا در آن معادلات و رقابت‌های خود را دنبال کنند. در این عرصه، تلاش همه‌جانبه غرب برای ساقط کردن دولت سوریه و همکاری‌های بی‌دریغ متحدین منطقه‌ای آن یعنی ترکیه، عربستان و قطر وجود داشت که در صدد بودند تا جبهه حلقه اتصال ایران و جبهه مقاومت را قطع کنند. به همین منظور تهران نیز خود را در خطر دید و از میزان قدرت منطقه‌ای به منظور همکاری به کشورهای دیگر در جهت رسیدن به منافع ملی خود در مقابل این ائتلاف استفاده کرد. لذا در مقابل آن حجم عظیم از تنش‌های ایجاد شده به وسیله کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن، تهران از قدرت نفوذ و نظامی خود استفاده کرده به به یک مانع اصلی در راه رسیدن به منافع کشورهای غربی تبدیل شد تا جایی که به قدرت‌گیری منطقه‌ای ایران باور جدی پیدا کردند (Yazdan Panah & Namdari, 1392: 101). چراکه بعد از انقلاب اسلامی ایران، خاورمیانه به یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نظام بین‌الملل

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

تبدیل شده است. در غرب آسیا که بهترین نمونه یک مجموعه امنیتی است، کشور آمریکا و متحدان آن تأثیرات قابل توجهی در این منطقه گذاشته که اوج این تأثیرگذاری در ایجاد گروه‌های تروریستی و تکفیری همچون ایجاد خشونت‌های قومیتی و ملی در این منطقه به ویژه در سوریه و عراق است. جمهوری اسلامی ایران به عنان رهبر محور مقاومت که پلکان مبارزه با استکبار و اقدامات آن‌ها بعد از انقلاب می‌باشد در صدد است که با ایجاد همگرایی در قالب محور مقاومت و همچنین همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی میزان تأثیرات منفی آن را کاهش دهد.

چراکه جبهه مقاومت و کشورهای نظیر ایران در بحران عراق و سوریه، به‌طور مستقیم با معارضین در منطقه در تقابل قرار گرفتند. زیرا این نیروها علاوه بر این که تمامیت ارضی و نظام سیاسی جبهه مذکور را به چالش کشیده بودند، بلکه تهدید امنیتی و ایدئولوژی برای برخی از این کشورها از جمله لبنان و عراق همچنین ایران نیز به شمار می‌رفتند. به همین منظور تهران موقعیت را غنیمت شمرده و تلاش کرد تا از اهداف تحمیلی به نیروهای معارض در دو کشور عراق و سوریه جلوگیری کند. در نتیجه سیاست خارجی خود را مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی این کشورها تأمین منافع ملی حداکثری خود و کاهش افراطی‌گرایی در منطقه در چارچوب ایجاد ائتلاف و همکاری داخلی بین خود و روسیه بنا گذاشته‌اند. این اهداف مذکور به نظر می‌رسد باعث شده که امروزه دولت‌های مختلف ایران را به‌عنوان یک نیرو و یک کشور تعیین کننده در منطقه خطاب کنند (Sanai & Kavianpour, 2015: 155-146).

این پژوهش با هدف بازخوانی و بازشناسی ظرفیت‌ها و ابزارهای قدرت هوشمند در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بین‌المللی صورت گرفته که توجه به آن‌ها می‌تواند جهت بهره‌گیری از آن‌ها بسیار راهگشا باشد.

از آنجا که این پژوهش از نوع توسعه‌ای می‌باشد، به روش توصیفی-تحلیلی بر اساس چارچوب و الگوی نظری قدرت هوشمندانه اطلاعات لازم را به روش کتابخانه‌ای از منابع اینترنتی؛ کتاب‌ها و مقالات جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داده است. لذا به‌منظور مشخص شدن تأثیراتی که بحران‌های اخیر خاورمیانه به‌ویژه عراق و سوریه نسبت به جایگاه منطقه‌ای ایران داشته‌اند به صورت ویژه این دو کشور مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- پیشینه تحقیق

دیسی جولین بارنز (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فرا تر از نیروهای نیابتی: استراتژی عمیق‌تر ایران در سوریه و لبنان» به بررسی راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب کمک‌های مستشاری پرداخته است. در این مقاله محور مقاومت را به‌عنوان یک بازیگر واحد تعریف کرده که در ادوار گذشته به دلیل تنش‌های ایجاد شده توسط کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن در غرب آسیا، در صدد می‌باشند که همگرایی خود را تقویت کنند. اما به قدرت هوشمند منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و اقدامات آن در این راستا اشاره ای نکرده است.

اسلاوین باربارا (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران همچنان قدرت اصلی خارجی در عراق است» به همگرایی دو جانبه ایران و عراق بعد از انقلاب به‌ویژه در بحران داعش پرداخته است و به این نتیجه رسیده که عراق و ایران در بحران داعش میزان همگرایی راهبردی و تاکتیکی خود را به نحو قابل چشم‌گیری توسعه داده‌اند و ایران را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر در غرب آسیا معرفی نموده است. در این مقاله آنچه که باعث تفاوت دو کار شده است، بررسی سیاست همگرایی دو کشور عراق و ایران به صورت دوجانبه است نه منطقه‌ای و بین‌المللی و این مسئله باعث دور شدن کار از قدرت هوشمند خواهد شد. این در حالی است که قدرت هوشمند تهران در محور مقاومت مهم‌ترین بحث در مقاله فعلی می‌باشد.

استستر جی. دانا (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «روسیه، ایران، عراق و سوریه اطلاعات خود را در مورد داعش به اشتراک می‌گذارند» نویسنده در این مقاله به همگرایی سیاسی و امنیتی محور مقاومت در بحران سوریه و عراق در تنش‌های ایجاد شده توسط گروه‌های تروریستی و تکفیری اشاره کرده اشاره کرده است. که باعث نوعی جبهه واحد در غرب آسیا شده، اما به قبل و بعد از آن نیز اشاره‌ای نکرده که باعث وجه اختلاف دو کار شده است.

اسماگین نیکیتا (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عملیات ویژه محور مقاومت و روسیه در غرب آسیا و چرا روسیه در سوریه می‌ماند؟» به همگرایی سیاسی و امنیتی محور مقاومت در بحران سوریه و عراق در تنش‌های ایجاد شده توسط گروه‌های تروریستی و تکفیری اشاره کرده اشاره کرده است. در این مقاله به این نتیجه دست یافته شده است که روسیه از میزان قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران برای توسعه نفوذ خود در غرب آسیا استفاده کرده است و قدرت هوشمند جمهوری اسلامی

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

ایران را به عنوان یک اهرم مفید علیه غرب استفاده کرده است. در این مقاله نیز از آنجایی که از پنجره سیاست خارجی روسیه به قدرت هوشمند و بحران سوریه اشاره کرده و بعد منطقه‌ای آن در کل خاورمیانه را مورد توجه قرار نداده باعث ایجاد تفاوت و وجه اختلاف شده است.

احمدوف ولادیمیر (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط اعراب و ایران در چارچوب بحران سوریه» به راهبرد همگرایی ایران و سوریه در بحران این کشور اشاره کرده است که بحران سوریه به عنوان یک نماد از همکاری همه جانبه دو کشور بعد از انقلاب ایران معرفی نموده است. در حالی که مقاله حاضر در صدد توضیح مفهوم قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و بین کشورهای عضو محور مقاومت می‌باشد.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته این است که هیچ یک از پژوهش‌های پیشین، راهبرد جمهوری اسلامی ایران را در مجموعه امنیتی خاورمیانه با توجه به قدرت هوشمند رسالت خود ندانسته‌اند. نوشتار حاضر تنها پژوهشی است که با رویکرد علمی به بررسی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی منطقه مورد نظر می‌پردازد بر این اساس این پژوهش به نوبه خود بدیع و تازه است.

۲- چارچوب نظری

با توجه به محوری بودن «قدرت هوشمند» و «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» به صورت مختصر هر کدام از این دو مؤلفه به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱- قدرت هوشمند

در عصر حاضر بزرگ‌ترین چابجایی و انتقال در حوزه قدرت و اعمال آن صورت گرفته و قدرت از مفهوم سخت آن به مفهوم نرم و اکنون با عنوان قدرت هوشمند قابل شناسایی و ارزیابی است (Salehnejad, 2018: 34). مفهوم قدرت هوشمند را نخستین بار سوزان ناسل^۱ به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کار برد. وی معتقد بود: منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تداوم برتری کشور را تضمین کند. به نظر می‌رسد قدرت

¹Suzanne Nossel

هوشمند مطرح شده توسط ناسل، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف دو قدرت سخت و نرم باشد که معتقد به تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود برتری آمریکا در جهان است. آن چه در مقاله با خانم ناسل مورد توجه قرار گرفته، جایگزینی سیاست جذب به جای سیاست جبر آمریکا در صحنه بین‌المللی است. به بیان دیگر؛ آمریکا به جای اجبار و تحت فشار قرار دادن کشورهای جهان از طریق خشونت یا حتی عدم خشونت که موجب تضعیف محبوبیت و هم‌چنین حس عدم اعتماد می‌شود، در صدد جذب ملت‌ها با بهره‌گیری از تمام اهرم‌های موجود در زمان مقتضی است (Nossl, 2014: 3-9).

در روابط بین‌الملل، اصطلاح «قدرت» به سه صورت سخت، نرم و هوشمند طبقه‌بندی می‌شود. قدرت هوشمند عمدتاً به استفاده از ابزارهای نرم نفوذ، مانند دیپلماسی، همراه با اعمال قدرت سخت و نظامی اشاره دارد (Katsikidis, 2023: 6-9). قدرت هوشمند و فهم آن در جهانی که از منظر پیامد و نتایج بسیار پیچیده و محتمل تغییرات سریع و شتابنده است، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. پارادایم قدرت هوشمند در چالش با رهیافت واقع‌گرایی مطرح شده و هم‌زمان دیدگاه بدیل قدرتی ارائه داده است که بیشتر با قدرت نرم نزدیکی دارد. سابقه مطرح شدن قدرت هوشمند به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد که «سوزان نوسل» تحت این عنوان در نشریه سیاست خارجی منتشر کرد (Nossl, 2014: 2-5).

جوزف نای قدرت هوشمند را به‌عنوان دیدگاهی در روابط بین‌الملل تعریف کرد که می‌تواند «قدرت سخت و نرم» را با یک‌دیگر ترکیب کند و برآیند آن دو را به صورت یک راهبرد پیروزمند در آورد (Nye, 2006: 9-11). در واقع قدرت هوشمند نیروی نظامی همراه با همه اشکال دیپلماسی را در بر می‌گیرد و بیش از آن که منبع جدید قدرت باشد، تلفیقی از قدرت سخت و نرم است. قدرت هوشمند را می‌توان قدرت «موقعیت محور» نامید. در این نوع از قدرت با استفاده راهبردی از دیپلماسی، ترغیب کردن، ظرفیت‌سازی و نفوذ به هدف مورد نظر دسترسی پیدا می‌کند.

بدین ترتیب واحدهای سیاسی می‌توانند متناسب با دو عنصر زمان و مکان راهبردهای متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند. لذا با پردازش و عرضه این نوع جدید قدرت، دولت‌ها در صدد هستند تا به جای ترس، خوشبینی را صادر کنند و به جای یک‌جانبه‌گرایی، تکررگرایی را دنبال کنند و به جای مشارکت‌گریزی، اجماع‌پذیر شوند و به جای عملگرایی منفعت‌محور، عملگرایی ارزش

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مداری را به ظاهر مدیریت کنند. به عبارت دیگر آن‌ها در صددند تا در چارچوب فرمول منافع و منابع، با کمترین هزینه بیشترین منافع را به دست آورند و با استفاده از قدرت هوشمند، اعمال قدرت نرم و سخت خود را حقانی نشان دهند (Mohammadian & Abedi, 2016: 26-25).

قدرت هوشمند دارای مؤلفه‌هایی است که اعمال آن‌ها در مدیریت منابع قدرت تضمین کننده بهره‌گیری هوشمندانه از منابع است. نای تنها مؤلفه مورد نیاز را هوشیاری نسبت به محیط می‌داند. او این مؤلفه را این‌گونه تعریف می‌کند: هوشیاری نسبت به محیط؛ توانایی درک محیط در حال تغییر و سرمایه‌گذاری در روند موجود. گرچه این ادبیات در مورد شرکت‌های فعال در بازارهای به شدت متغیر به وجود آمد، اما واضح است که این مهارت می‌تواند به یک رهبر کمک کند تا توزیع منابع قدرت خود را متناسب با اهداف مورد نظر و راهبرد خود را همسو با جریان و رویدادها شکل دهد و نه بر خلاف آن. این امر نیازمند توانایی تشخیص روندها در محیطی بسیار پیچیده و فاقد قطعیت است. این توانایی به یک رهبر اجازه می‌دهد تا روش خود را با شرایط پیش‌رو و نیازهای پیروان خود هماهنگ نماید (Mohammadian & Abedi, 2016: 26-25).

بدین ترتیب قدرت هوشمند توانایی ترکیب منابع قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به استراتژی‌های مؤثر و موفق می‌باشد (Wilson, 2008: 117-119). قدرت هوشمند در قرن کنونی صرفاً به افزایش قدرت و حتی به راه‌های برای حفظ هژمونی و قدرت موجود اشاره نمی‌کند، بلکه بیشتر درباره یافتن راه‌هایی است که از طریق آن بتواند منابع موجود در کشور را به استراتژی‌های موفقیت‌آمیز در شرایط جدید پراکنده‌گی و تقسیم قدرت برای افزایش امنیت در مقابل بحران‌ها هدایت نماید. به عبارت دیگر قدرت هوشمند نه سخت است نه نرم، بلکه کاربرد ماهرانه هر دوی آن‌هاست. قدرت هوشمند یعنی توسعه یک راهبرد عملگرایانه مبتنی بر منابع ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف. این رویکرد بر لزوم وجود قدرت نظامی قوی پافشاری می‌کند و در عین حال بر سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد ائتلاف‌ها، مشارکت‌ها و نهادها در همه سطوح تأکید دارد (Ghorbani, 2010: 143-142).

بنابراین، یک استراتژی کلان هوشمند باید بتواند قدرت و تهدیدهای بسیار متفاوت قدرت را در حوزه‌های مختلف مدیریت کند و مبادلات بین آن‌ها را درک کند. مفهوم «قدرت هوشمند» اساساً ادغام و شبکه‌سازی هوشمندانه دیپلماسی، دفاع، توسعه و سایر ابزارهای به اصطلاح قدرت

«سخت و نرم» است. در گذشته عمدتاً کشورهای قدرتمند از این قدرت به خوبی استفاده کرده‌اند اما با گذشت زمان و این که قدرت در نظام بین‌الملل دیگر تک قطبی و در اختیار آمریکا قرار ندارد، توسط کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته تا از این طریق و با کمترین هزینه بتوانند منافع ملی و قومی خود را به دست بیاورند (Nye, 2023: 12).

با توجه به توضیحاتی که در مورد قدرت هوشمند ارائه شد؛ جمهوری اسلامی ایران با استفاده از قدرت سخت و نرم خود با شروع بحران‌های اخیر خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد به ویژه بحران‌های سوریه و عراق، خود را به یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه غرب آسیا تبدیل کرد. البته شایان ذکر است که این موقعیت فقط مختص زمان بحران‌های مورد نظر نیست که ایران به وسیله آن‌ها قدرت خود را به نحو چشم‌گیری توسعه داد. بلکه با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع قدرت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران در برهه‌های زمانی مختلف به یک قدرت بلامنازع تبدیل شده است. اما در زمان بحران سوریه و عراق و استفاده همه‌جانبه از مؤلفه‌های قدرت هوشمند در خاورمیانه توسط ایران، موقعیت این کشور را به نسبت دهه‌های گذشته تغییر داده و در زمینه مدیریت تروریسم و مسائل امنیتی به یک کشور مهم تبدیل شده است. بر این اساس به مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که باعث تغییر موقعیت ایران در منطقه شده و این کشور را نسبت به رقبای خود قدرتمند کرده است و این مسأله مرهون بحران‌های خاورمیانه می‌باشد اشاره می‌کنیم.

۲-۲- مجموعه امنیتی منطقه‌ای

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب‌های «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی» و «مردم، دولت‌ها و هراس» ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است. مجموعه امنیتی منطقه‌ای نظریه‌ای است که در تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل، سطح تحلیل منطقه‌ای را به عنوان چارچوب خود برگزیده و قویاً بر آن اتکا پیدا کرده است. این نظریه روش‌شناسانه بر این فرض مبتنی است که پایان جنگ سرد، جهان را به سوی برهوت ناامنی سوق داد. در این نظریه، پرتاب شدگی یکبارہ جهان به سوی ناامنی ریشه در مفروضه‌ها و تجویزات ویرانگر مکاتب رئالیستی و جهانگرا دارد. به این معنا که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع

^۱Regional Security Complex Theory (RSCT)

امنیت و نیز مکتب جهانگرا با تلقی نظام بین‌المللی به‌عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند (Noormohammadi & Fasihi, 1397: 157-158).

بوزان معتقد است سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مناطق مناسب نیستند، لذا ضرورت دارد تا یک سطح تحلیل میانه برای این منظور وجود داشته باشد تا بتوان بوسیله آن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین‌الملل) را پر کرد. با اعطای هویتی مشخص به شبه سیستم‌های منطقه‌ای باعث قرار گرفتن آن‌ها به‌عنوان سطح میانی از تحلیل مابین سطح سیستم و دولت می‌گردد (Buzan, 1378: 212-214). بوزان و ویوور معتقدند، به قدری مسائل امنیتی کشورها در هم تنیده است که از طریق فهم عملکرد واحدهای سیاسی مجزا نمی‌توان امنیت آن‌ها را درک کرد و باید از طریق درک پویای امنیت منطقه‌ای درکی وسیع‌تری از امنیت پیدا کرد (Waever & Buzan, 2009: 54-55).

از منظر بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یک‌دیگر باشند (Waever & Buzan, 2009: 54-55). در واقع یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به‌طور گسترده در این روابط حضور دارند. بر این اساس وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و قرابت جغرافیایی میان اعضای یک مجموعه زیربنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و باعث تمایز آن مجموعه با سایر مجموعه‌های، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌شود.

به اعتقاد بوزان و ویوور از آن‌جا که امنیت هیچ کشوری تنها بر خود متکی نیست و همچنین با توجه به کلی بودن و ناکافی بودن فهم لازم از سطح جهانی، سطح منطقه‌ای را که دارای دو مؤلفه ملی (یعنی وابستگی متقابل امنیتی) و جهانی (یعنی جلوگیری از گسترده‌گی بی‌حد) است، به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌نمایند. برخی از ویژگی‌های مجموعه امنیتی مد نظر بوزان را می‌توان چنین برشمرد: مجاورت و نزدیکی جغرافیایی؛ وجود الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها؛ وجود وابستگی متقابل؛ حضور یا احساس تهدید و ترس متقابل میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه؛ مسئله همبستگی‌های نژادی و فرهنگی عوامل اقتصادی می‌داند (Buzan, 1378: 212-237).

باتوجه به ویژگی‌های فوق در خصوص مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، نباید تصور نمود که مجموعه‌های امنیتی همواره دارای ساختاری ثابت و ایستا هستند، بلکه برخی تغییرات از قبیل الگوهای دوستی و دشمنی و توزیع قدرت بین دولتهای اصلی می‌تواند باعث تغییر در ساختار بنیادی مجموعه امنیتی مورد نظر شود (Buzan, same: 237).

با عنایت به مؤلفه‌های دخیل در شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای پژوهش حاضر با امعان نظر بر همه مؤلفه‌های موجود، تلاش نموده است تا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه را با تأکید بر قدرت هوشمند ج.ا.ایران در ارتباط با بحران‌های دو کشور عراق و سوریه را بررسی نماید.

۳- قدرت هوشمند در بحران سوریه و عراق

سیاست خارجی ایران در زمان بحران‌های خاورمیانه با توجه به قدرت هوشمند خود همواره در پی ارتباط نزدیک و سازنده دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه بود. حتی یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود را تعامل سازنده با قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف نموده و نسبت به بحران سوریه و عراق توجه خاصی بنماید. به‌ویژه آن‌که قرار گرفتن این کشورها در محور مقاومت اسلامی از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. چنین به نظر می‌رسد که ایران به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در این روند نگران است که با تغییر دولت فعلی سوریه و تجزیه عراق، حکومت جایگزین، محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد. به همین دلیل از زمانی که جنگ داخلی در سوریه و عراق آغاز شد، ایران به‌طور فزاینده‌ای تلاش نمود با استفاده از قدرت هوشمند خود پیش‌گیرهای لازم را نسبت به جلوگیری از تشدید بحران و حل و فصل مسالمت‌آمیز آن انجام دهد (Sadeghi & Lotfi, 2014: 123-144).

ایران برای تثبیت راهبرد ضد سلطه و تدافعی خود و همچنین استفاده بهینه از قدرت هوشمند خود، به‌دنبال همکاری صلح‌آمیز و ائتلاف با نیروهای ضد هژمون چه در سطوح دولتی و چه در سطوح غیردولتی بوده است. این راهبرد قبل از هر چیزی سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید سیاسی و امنیتی در منطقه را از بین ببرد. در سال‌های گذشته، بحران‌ها، جنگ‌ها و تنش‌ها در منطقه، برای ایران پرهزینه و منبع بی‌ثباتی بوده است. با توجه به این رویه، بهره‌گیری از

سیاست ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی ایران در منطقه واکنشی تدافعی و بهره برداری از هوشمند سازی قدرت خود برای رفع تهدیدات امنیتی است (Nizamipour et al., 2015: 2-3). چراکه در صورت عدم استفاده بهینه از قدرت هوشمند خود در منطقه معضلات امنیتی در کشور عراق و سوریه به بطن جامعه و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران وارد شده و باعث ایجاد مشکلات جدی در این کشور می شوند. به همین منظور برای جلوگیری از این مسئله، در راستای هوشمندسازی قدرت خود به بسیج مردمی، توسعه نفوذ در بطن جبهه مقاومت بیش از هر زمان دیگر، نشست در جلسات منطقه‌ای و بین‌المللی به رغم مخالفت‌های آمریکا، استفاده از قدرت نظامی و اطلاعاتی را در رأس دستگاه دیپلماسی خود قرار داد. در این قسمت به توضیح و شرح کامل این راهبردهای سیاست خارجی ایران در راستای استفاده بهینه از قدرت هوشمند خود در زمان بحران سوریه و عراق که باعث تقویت جایگاه تهران در منطقه شد می‌پردازیم.

۳-۱- قدرت هوشمند و ایجاد بسیج مردمی در عراق و سوریه

یکی از مهم‌ترین اصولی که جمهوری اسلامی ایران در زمان بحران‌های خاورمیانه در صدد رسیدن به آن بوده است، ایجاد یک موقعیت برتر منطقه‌ای نسبت به سایر رقبای خود از طریق توسعه نفوذ خود و ایجاد پایگاه‌های اجتماعی مطمئن در بین کشورهای جبهه مقاومت از طریق ایجاد بسیج مردمی بوده است. این مسئله در زمان توسعه و گسترش تحرکات گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه بیش از هر زمان دیگر مورد تأکید دولتمردان تهران قرار گرفت و تلاش کردند حجم عظیمی از بسیج توده‌ای را به منظور تقویت جایگاه خود در منطقه ایجاد کنند. چراکه هرگونه احتمال قدرت‌گیری این گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق می‌تواند امنیت منطقه را به صورت جدی تهدید کند. در این راستا، تهران در قالب محور مقاومت سعی دارد از نفوذ و گسترش تروریسم‌های تکفیری جلوگیری نماید. چراکه در صورت گسترش بنیادگرایی تکفیری، نفوذ آنان در منطقه کاهش یافته و جنگی طولانی و درازمدت در منطقه شکل می‌گیرد. به همین منظور عملیات‌های پنهان ایران در این دو کشور در قالب بسیج عمومی و توسعه عملیات‌های اطلاعاتی به شکل جدی توسعه پیدا کرد. این رویه به جمهوری اسلامی ایران قدرت داده تا بتواند خود را به‌عنوان یک کشور تعیین‌کننده در منطقه بشناساند و امنیت خود را با قدرت بیشتری نسبت به ادوار گذشته تأمین کند (Mirzadeh Kohshahi, 1393: 181).

ایجاد بسیج عمومی در عراق تحت عنوان «حشدالشعبی» و در سوریه با عنوان «جیش الشعبی»، به منظور گسترش تعداد نیروهای درگیر در جبهه‌های جنگ و قدرت ارتش این کشورها ایجاد شد. در زمان درگیری با داعش این نیروهای بسیج مردمی قسمت مهمی از سرزمین تحت اشغال نیروهای تکفیری را آزاد کرده و مسئولیت امنیت آن‌ها را تحت کنترل خود قرار داده‌اند. قبل از این که بحران‌های مذکور شروع شوند نفوذ ایران به آن صورت که امروزه وجود دارد ایجاد نشده بود. لذا با تلاش سردار شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس در عراق این بسیج مردمی به شکل جدی ایجاد شده و امروزه قدرت قابل توجهی در امور سیاسی این کشور را در دست گرفته است. این به آن معنا می‌باشد که جمهوری اسلامی ایران از طریق این جبهه‌های مردمی ایجاد شده در خاورمیانه قدرت عملیاتی خود را به شکل قدرتمندی توسعه داده و خود را به عنوان یک وزنه اصلی در بحث تأمین امنیت و ثبات در غرب آسیا تبدیل کرده است (Kirkpatrick, 2020: 1).

البته در بعد دیگر ایجاد جبهه مردمی به وسیله جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق باید به این نکته نیز اشاره کنیم که این اقدام مذکور باعث شده است که میزان وزن تهران در مقابل کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا در خاورمیانه، به نحو قابل چشم‌گیری توسعه پیدا کند و چه بسا باعث شود که نیروهای اعزامی به خاورمیانه توسط دولت آمریکا به منظور و بهانه مبارزه با داعش، مدیریت شوند و ابتکار عمل دست نیروهای ایرانی و قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران بیفتد. مهم‌ترین مصداقی که می‌توان به منظور اثبات این بحث ذکر کرد، ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس است. در زمان ترور این دو فرد تأثیرگذار در زمان قدرت‌گیری داعش و توسعه نفوذ آن، نیروها و بسیج مردمی در این دو کشور در صدد برآمدند که نیروهای آمریکایی که باعث ایجاد ترور و تنش در این منطقه و کشور شده‌اند را اخراج کنند. این به معنای قدرت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه است (Kirkpatrick, 2020: 2-5).

در سوریه عواملی چون اعتراضات مردمی؛ فرصت‌طلبی سلفی‌های تکفیری و ورود خشونت به عرصه اعتراضات؛ ضعف ارتش سوریه در مقابله با آن‌ها و در عراق نیز نبود همبستگی جامعه شیعیان عراق؛ ضعف ساختاری حاکمیت این کشور؛ نبود روحیه مبارزه در ارتش عراق و فاجعه انسانی ناشی از حضور داعش موجب خسارت‌های مادی و معنوی به این کشورها شده بود. لذا تأسیس هوشمندانه بسیج مردمی در سوریه و عراق، صرف نظر از معنای انتقال یک تجربه موفق، جمهوری اسلامی ایران

در چارچوب حفظ امنیت منطقه‌ای خود بر آن شد تا بتواند از ظرفیت‌های لازم و بومی منطقه در جهت کمک به مردم این کشورها و تقویت قدرت محور مقاومت استفاده نماید.

۲-۳- قدرت هوشمند و نشست‌های بین‌المللی

نشست‌های بین‌المللی که برای مدیریت بحران سوریه شکل گرفته بود، یک پیروزی برای محور مقاومت چه در عرصه میدانی و چه در عرصه دیپلماسی به شمار می‌رود و نتیجه آزادسازی حلب و ناکامی تروریست‌ها و حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای آنان بود و نشان از شکست بین‌المللی کردن بحران سوریه و طرح‌های غرب و به‌ویژه آمریکا و موفقیت تلاش‌های منطقه‌ای با ابتکار ایران و روسیه داشت. لذا نه تنها آمریکا که در این نشست‌ها از جمله نشست آستانه حضور نداشت، بلکه غرب از جمله لندن و ناتو و همچنین اسرائیل، از این که نتوانسته‌اند در سوریه به اهداف خود که سرنگونی دولت سوریه بود، برسند ناراضی بودند و این ناتوانی در اهداف و خشمگینی متعاقب آن به دلیل حمایت‌های ایران با استفاده از نفوذ خود در بین کشورهای مقاومت و روسیه از دولت قانونی بشار اسد بود.

اولین نشست تأثیرگذار برای ایران نشست وین ۲ بود. این نشست درباره بحران سوریه در تاریخ ۲۳ آبان ۹۴ با حضور هیات ایرانی در هتل امپریال شهر وین پایتخت اتریش برگزار شد. نقطه عطف تحولات سیاسی ۴ سال گذشته را می‌توان در اجلاس وین ۲ دانست که طی آن نمایندگان تمام کشورهای تأثیرگذار در سوریه برای اولین بار گرد هم آمده و به گفت‌وگو برای خروج از این بحران پرداختند. ایران که زمانی عامل غیرسازنده و ایفا کننده نقش منفی در سوریه و عراق نامیده می‌شد، دعوت به عمل آمد و این نشانه قدرت‌گیری بلامنازع جمهوری اسلامی ایران در منطقه بشمار می‌رود (Erdbrink & Et al, 2015: 1-4). پذیرش دعوت ایران برای پیوستن به مذاکرات صلح سوریه در وین، از طرف کشورهای مذکور نشانگر سرعت تغییر دینامیک جنگ بود. اما به نظر می‌رسد مشارکت ایران نشانه چگونگی ظهور ایران از دهه‌ها حاشیه‌سازی تحمیل شده توسط آمریکا بود. البته شایان ذکر است که کاخ سفید به پذیرش ایران در این نشست به دنبال یک هدف دیگر بود که آن هم توسعه روابط سیاسی با تهران و دور کردن آن از همکاری با روسیه در منطقه بود (Erdbrink & Et al, 2015: 1-4).

ائتلاف دیگری که با حضور چهار کشور ایران، عراق، سوریه و روسیه بر پایه اراده رهبران عالی چهار کشور تشکیل شد در شکست داعش نقش جدی و اثرگذار داشت. درک مشترک از تهدیدات، منافع مشترک و متعاقب آن همکاری‌های مشترک اطلاعاتی چهار کشور در پیشبرد اهداف و مأموریت‌های مقابله با تروریسم، تجربه‌ای موفق در بازگرداندن ثبات و امنیت بود. مهم‌ترین دستاوردی که در این نشست کشورهای مذکور به کسب کردند، انجام عملیات‌های هوایی عراق در خاک سوریه، تبادل اطلاعات بین سه کشور، تقویت نیروهای درگیر در جبهه‌های جنگ از طریق همکاری کردن و توسعه منابع اطلاعاتی و... بود (Talbot & Maggie, 2020: 2-6).

نشست دیگر نشست آستانه بود. ایران، روسیه و ترکیه، به رغم داشتن اختلاف تاکتیکی در منطقه در نشست آستانه در تلاش بودند که بحران سوریه را آن‌گونه که مطابق قوانین داخلی و بین‌المللی است حل و فصل کنند. به همین منظور هر کدام از این کشورها در صدد اتخاذ یک راهکار جدی به منظور رسیدن به منافع ملی خود برآمدند. به همین منظور آمریکا به شدت از دعوت نشدن در این نشست ناراضی بود. چراکه هم متحدان منطقه‌ای آن دعوت نشده بود و هم این که عنصر اصلی این نشست یعنی ایران به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه شرکت داشت (Ramani, 2019: 2-5).

کشورهای شرکت کننده در این نشست در دور سوم مذاکرات آستانه در بیانیه‌ای مشترک بر چند اصل مهم تأکید کردند که مهم‌ترین آن‌ها توقف درگیری‌ها در سوریه، تحکیم آتش بس و حفظ آن، تبادل اطلاعات و تقویت روند مکانیسم سه جانبه بود. همچنین در این بیانیه اعلام کردند که برای صحبت از پایان بحران در سوریه زود است، اما مذاکرات ژنو و آستانه نقش مهمی در توقف درگیری‌ها در سوریه داشته است (Tahhan & Collins, 2017: 1-5).

۳-۳- قدرت هوشمند و توسعه همگرایی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط و تهدیدات جدید منطقه‌ای از مدل تلفیقی قدرت هوشمند بهره برده است. ایران یک استراتژی «مقاومت حداکثری» را برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای اتخاذ کرده است. استراتژی که مبتنی بر محور مقاومت و بازدارندگی است و ارکان اصلی آن استفاده از نیروهای متحد محلی است. اجرای راهبرد هوشمندانه در سیاست خارجی ایران با توجه به شرایط و مقتضیات جدید (محدودیت‌ها، امکانات و ظرفیت‌ها) و تهدیدها و فرصت‌های موجود

توانسته است بین منافع ملی و ارزش‌ها توازن، سازواری و انطباق ایجاد کند (Fatahi Ardakani & Mahmoud Oghli, 1400: 91).

بخش مهمی از تهدیدهایی که در بحران سوریه و عراق موجودیت جبهه مقاومت و اعضای آن را تهدید می‌کرد گسترش روزافزون جریان‌های تکفیری و امکان روی کار آمدن یک دولت تندرو در منطقه بود. گروه‌های تروریستی داعش و جبهه‌النصره در یک مقطع بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، بخش وسیعی از خاک سوریه و عراق را که از آن به‌عنوان بازوی محور مقاومت یاد می‌کنند تحت کنترل داشتند (Slavin, 2023: 6).

بنابراین با توجه به این اوصاف در صورت گسترش بنیادگرایی تکفیری و هرگونه احتمال قدرت‌گیری این گروه‌ها در سوریه و عراق می‌تواند امنیت منطقه را به صورت جدی تهدید کنند، این مسئله موجب شده است تا کشورهای عضو محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران تلاش کنند تا از ترکیب منابع نرم و سخت خود با توجه به شرایط مختلف به گونه‌های مختلفی استفاده کنند. با در نظر گرفتن تحولات پیرامونی کشور ایران در غرب آسیا و پیوند خوردن منافع ملی ایران با این تحولات، ایران، به ایجاد همگرایی بین کشورهای عضو محور مقاومت و نیز تعریف تهدید مشترک بین خود و روسیه با استفاده از قدرت نظامی و امنیتی وساطت کردن جریان تروریستی و تکفیری دشت نشانده کشورهای غربی اقدام کرد (Dacey, 2024: 3-7).

به علاوه این ائتلاف با همگرایی کشورهای حامی جریان‌های تروریستی مواجه است که با هدف براندازی دولت سوریه شکل گرفته است. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که شاهد ائتلاف توازن بخش ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان به همراه روسیه باشیم. ائتلاف مبارزه با تروریسم برای روسیه نیز به خاطر مقابله با اسلام‌گرایی افراطی و جلوگیری از پیش‌برد اهداف رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و کاهش تنش‌های منطقه‌ای و نقش پررنگ در راستای حل منازعه قومی و ملی و همگرایی و ائتلاف سیاسی- نظامی مهم است (Smagin, 2023: 8-12).

ایران با استفاده از قدرت هوشمند خود، در کوتاه‌ترین زمان ممکن زمینه‌های ورود روسیه به بحران سوریه و عراق را فراهم کرد و این اقدام به نحو قابل چشم‌گیری روند موفقیت محور مقاومت را دوچندان کرده است. زیرا هم رسانه‌هایی که در کشورهای عضو محور مقاومت وجود دارد ایران را دوست و هم پیمان خود می‌دانند و هم از این طریق مشروعیت خود را در این کشورها

توسعه داده و روسیه نیز این مسئله را به خوبی درک کرده که بدون جمهوری اسلامی ایران و قدرت هوشمند آن نمی تواند میزان نفوذ خود را در غرب آسیا و بحران سوریه همچنین عراق افزایش دهد (Borshchevskaya, 2022: 4-9).

در عراق و سوریه، جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های موجود برای تقویت قدرت هوشمند خود بهره برده است، به‌عنوان نمونه در عراق حضور شیعیان در رأس قدرت، زمینه‌های ایجاد روابط استراتژیک مبنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی-امنیتی را فراهم ساختند. «در شرایط جدید، شیعیان به تعبیر گراهام فولر متخصص مسائل غرب آسیا، که فراموش شده بودند یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در مسائل منطقه وارد عرصه تحولات این منطقه شدند (Barzegar, 2016: 61-62) و نقش ایران در این مسأله بسیار حائز است و توانست بر شکل‌گیری دولت و فرایندهای تصمیم‌گیری با تأثیرگذاری بر گروه‌های مورد حمایت خود همچون سازمان بدر، کتائب حزب الله، عصائب اهل حق و النجباء در عراق مؤثر واقع شود و از این ظرفیت ایجاد شده برای تقویت قدرت خود بهره بگیرد و دشمنان خود را با مشکلات متعددی مواجه نماید.

در خصوص سوریه نیز با توجه به این که هر دو دولت سابقه مبارزه ضد استعماری را در کارنامه خود داشتند و با عنایت به همگرایی‌های دینی و فرهنگی میان دو ملت، در برابر دشمن مشترک به دنبال بازدارندگی بودند؛ اتحاد این دو کشور در کاهش تهدیدها و عقب راندن دشمنان منطقه‌ای موفق‌آمیز بود. به همین جهت ایران از دولت سوریه علیه شبه نظامیان و مخالفان مسلح تکفیری و دشمنان عبری، عربی و غربی حمایت کرد. لذا ایران با توجه به همپوشانی و همگرایی‌های متعدد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛ از بسیاری از این ظرفیت‌ها استفاده و آن‌ها را در جهت قدرت بازدارندگی خود فعال نماید.

۳-۴- قدرت هوشمند و ابتکار عمل نظامی و تقویت جایگاه در خاورمیانه

حضور مستقیم آمریکا در خلیج فارس، عراق و افغانستان و نیز امکان حمله نظامی به ایران، به شدت بر نیاز ایران به ایجاد سیستم بازدارندگی افزوده است. در این میان مرکز ثقل این سیستم بازدارندگی، جلوگیری از حملات مستقیم به ایران می‌باشد. ایران در تدارک سیستم بازدارندگی دو سناریو را در اختیار دارد: اطمینان‌سازی و استراتژی تدافعی (Ghasemi, 122: 1386).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در حوزه ضرورت انجام سناریو استراتژی تدافعی باید گفت که زمان مذاکرات هسته‌ای به رغم مخالفت‌های شدید رژیم اشغالگر قدس، نتانیاهو نخست وزیر این رژیم، آمادگی خود را برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران اعلام کرد و دلیل آن را نیز تخلف ایران از تعهدات خود در قبال برجام اعلام کرد (Deports, 2015). همچنین با توجه به حملات مکرر گروه داعش به پاریس و اقداماتی که در ترکیه، لبنان، مصر و تونس انجام دادند، می‌توانستند امنیت ایران را با مشکل مواجه کنند. لذا با توجه به این موارد جمهوری اسلامی ایران با کمک‌های مستشاری به دو کشور عراق و سوریه که درگیر بحران هستند؛ در حال مبارزه با دشمنان خود در خارج از مرزهای خود می‌باشد و این امر خطر حمله مستقیم آن‌ها به ایران را کاهش داده است (Khalaj, 2015).

در حوزه سیستم بین‌المللی و جهانی ج.ا.ایران همچنین به تقویت استراتژی دفاعی خود پرداخت. برخی از مهم‌ترین این استراتژی عبارت‌اند از: بهره‌گیری از نیروی متعارف نظامی، افزایش توان نظامی، تنوع بخشی به ساختار نیروهای نظامی و تقویت آن، طراحی دفاع در عمق در صورت اشغال احتمالی؛ مقاومت غیرنظامی و کشوری برای جلوگیری از توان اجتماعی توسط دشمن؛ نهادینه کردن دفاع غیرنظامی در قالب نیروهای مقاومت بسیج؛ -مدرنیزه کردن نیروهای نظامی به‌ویژه تسلیحات نظامی هوایی مانند ساخت موشک‌های با برد طولانی؛ تقویت قدرت نظامی کشور، به‌ویژه در حوزه‌های فناوری اطلاعات و افزایش آمادگی خود برای جنگ سایبری علیه آمریکا (Akhmedov, 2023: 783-785).

در حوزه سناریوی اطمینان سازی بایستی در قالب سیاست تنش زدایی پیگیری شود. این امر با گفتگوی سیاسی امکانپذیر می‌شود و هدف آن دستیابی به نقاط مشترک در سیاست خارجی و ایجاد اطمینان در کشورهای موجود در حوزه استراتژیک ایران، که ایران تهدید علیه آن‌ها محسوب نخواهد شد. بهبود و گسترش روابط سیاسی با کشورهای منطقه بهترین و یگانه‌ترین راه جلب اعتماد خواهد بود. اعتماد سازی برای فرو نشاندن تهدیدات امنیتی در بلندمدت، مؤثرترین ابزار سیاست دفاعی خواهد شد (Latifian, 2013: 1390).

بر این اساس ایران برای رفع تهدید آمریکا و اسرائیل، جنگ‌های نیابتی و سلفی‌گری و تجزیه‌طلبی از قدرت سخت خود نیز به صورت هوشمند با اقداماتی چون تقویت قدرت نظامی،

اعزام نیروهای مستشاری، تقویت گروه‌های نیابتی و مانورهای نظامی بهره برده است (Aziri & Haj, Zargar Bashi, 1402:58).

نتیجه‌گیری

تحولات و یا تنش‌های ایجاد شده در غرب آسیا در نتیجه ناکارآمدی حکومت‌های موجود در آن از سال ۲۰۱۱ در تونس با خودسوزی جوان دستفروشی بنام محمود بوعزیزی شروع شد و به صورت دومینووار سایر دولت عرب موجود در خاورمیانه را در بر گرفت. به همین منظور سراسر غرب آسیا درگیر این مشکل امنیتی شدند. در بطن این تنش‌های موجود بود که فرصت برای تحرکات نیروهای تروریستی و تکفیری با حمایت غربی‌ها به‌منظور رسیدن به منافع مادی و ایدئولوژیک خود فراهم شد و فعالیت خود را آغاز کردند. با توسعه فعالیت این نیروها و همچنین شعله‌ور شدن آتش جنگ فرقه‌ای در خاورمیانه، دو دستگی و ائتلاف‌های متعددی ایجاد شد که در یک طرف آن آمریکا و کشورهای عربی متحد آن از جمله عربستان- قطر- امارات و رژیم صهیونیستی قرار داشتند و در طرف دیگر روسیه و کشور عضو جبهه مقاومت به رهبری ایران بود. اوج این ائتلاف در دو کشور عراق و سوریه به چشم می‌خورد. به این خاطر که تنش‌های ایجاد شده در دو کشور مذکور به‌ویژه سوریه، اولین تنش‌ها بود که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه را وادار به درگیری نظامی و یا کمک مستشاری به ارتش کشور دیگر کرده بود. البته شایان ذکر است که اوج فعالیت نیروهای تروریستی و کمک‌های کشورهای عربی غربی به آن‌ها جبهه مخالف اتحاد عربی- غربی را مجبور به تقویت اتحاد خود به منظور جلوگیری از توسعه‌طلبی آن‌ها کرد. در این بین جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ تحمیلی و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان، فعالیت خود را به منظور عملی کردن راهبرد بازدارندگی در منطقه، فعال کرد.

فعالیت نیروهای تروریستی در عراق و سوریه بطن و بدنه جبهه مقاومت را به‌منظور کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران هدف قرار داده بودند که در صورت موفقیت، ایران به یک کشور منزوی در منطقه تبدیل می‌شد. اما با ایجاد ائتلاف مذکور به وسیله ایران و روسیه در زمان درگیری با داعش و سایر نیروهای تروریستی، تقویت هوشمند نیروهای مقاومت و ایجاد بسیج مردمی در عراق و سوریه و با توسعه همگرایی و ابتکار عمل نظامی توانست جایگاه خود را در خاورمیانه و غرب آسیا تقویت

نماید به همین جهت این نقشه به صورت کلی از بین رفت و به نوعی می توان گفت که استراتژی ضد ایرانی این کشورها در منطقه با مشکلات جدی مواجه شد. به همین منظور ابتکار عمل نظامی در دست ائتلاف روسیه و ایران افتاد. بعد از قدرت گیری ایران در نتیجه فعالیت های قدرتمند آن، کشورهایی که قبل از بحران مذکور موجودیت قدرت تهران را انکار می کردند چاره کار را هماهنگی با ایران و ایجاد نشست های متعددی با جمهوری اسلامی ایران می دانستند. این به معنای قدرت گیری و تغییر جایگاه تهران در منطقه در نتیجه در گیری های این کشور توسط سپاه قدس به منظور تأمین منافع خود بود. چرا که بعد از آن ایران با توجه به فعالیت های تبلیغاتی خود و همچنین کمک های خود در زمان در گیری در این دو کشور، حجم عظیمی از بسیج عمومی و مردمی را در منطقه ایجاد کرده بود که هم از نظر انسانی و هم از نظر ارادی قدرت انجام هر گونه عملیات علیه ائتلاف مذکور را دارا بودند و این امر ایران را در یک موقعیت قدرتمند قرار داده بود. به همین منظور تهران با توجه به وضعیت ایجاد شده در منطقه در آینده می تواند از توان نیروهای بومی مقاومت در کشورهای همسایه علیه هر گونه معضل ضد امنیتی در مرزهای خود و حتی خارج از مرزهای خود استفاده نماید.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Akhmedov, V. (2023). Arab-Iranian Relations in Context of the Syrian Crisis. November 2023. *Vestnik of Saint Petersburg University Asian and African Studies*, 15(4), 779-789.
- Aziri, V., Haj Zargarbashi, S.R. (2023). Smart Power and the Promotion of Iran's Regional Position in West Asia. *Political Commentary Science*, No(15) 58-92. [In Persian]
- Barzegar, K. (2006). Iran's Foreign Policy in New Iraq. Tehran, Publications of Strategic Research Center, Expediency Council, Strategic Research Center, second edition. [In Persian]
- Borshchevskaya, A. (2022). Russia's Strategic Success in Syria and the Future of Moscow's Middle East Policy. Available in: <https://www.lawfaremedia.org/article/russias-strategic-success-syria-and-future-moscows-middle-east-policy>.
- Bozan, B. (1378). *People, governments and fear, Translation of Strategic Studies Research Institute*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Buzan, b., Waever, O. (2009). *Region and powers, translate by Rahman ghahramanpoor*. Tehran, Institute for Strategic Studies. [In Persian].

- DanielR, D (2015). Israel's Master Plan to Crush Iran's Nuclear Program. Availablein: <http://nationalinterest.org/feature/israels-master-plan-crush-irans-nuclear-program-13392?page=2>.
- Dacey, J.B. (2024). Beyond proxies: Iran's deeper strategy in Syria and Lebanon. Availablein:<https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-in-syriaandlebanon>.
- Erdbrink, T., Et Al. (2015). After a U.S. Shift, Iran Has a Seat at Talks on War in Syria. Availablein:<https://www.nytimes.com/2015/10/29/world/middleeast/syria-talks-vienna-iran.html>.
- Fatahi Ardakani, H., Mahmoud Oghli, R. (2022). Smart power in the foreign policy strategy of the Islamic Republic of Iran. *Afaq Security Quarterly*, 14 (53), 91-119. [In Persian]
- Ghasemi, F. (2007). Theoretical perspective on the design of Iran's foreign policy deterrence model. *Geopolitics*, 3(1),97-127. [In Persian]
- Ghorbani Sheikh Neshin, A., Karami, K., Abbaszade, H. (2011). Smart power; the new evolution of power in the age of globalization. *Foreign Relations Quarterly*, 3(4), 125-150. [In Persian]
- Katsikidis, A. (2023). Smart power and conflict deterrence Availablein: <https://www.ekathimerini.com/opinion/interviews/1209057/smart-power-and-conflict-deterrence>.
- Khalaj, M. (2015). Security tightened in Tehran amid fear of Isis attack. Availablein:<https://www.ft.com/content/8f69000a-9779-11e5-95c7d47aa298f769>.
- Kirkpatrick, D. (2020). Conflict With Iran Threatens Fight Against ISIS. Availablein: <https://www.nytimes.com/2020/01/04/world/middleeast/conflict-with-iran-threatens-fight-against-isis.html>.
- Latifian, S. (2013). Threats of the National Security Policy of the Islamic Republic of Iran. *International Journal of Foreign Relations*, 1(3), 370-399. [In Persian]
- Mirzadeh Koh Shahi, M. (2013). Strategy of the Islamic Republic of Iran for the Syrian Crisis; Scenarios and Consequences. *Defence of the Holy Research Journal*, (11),---. [In Persian]
- Mohammadian, A., Abedi, H. (2016). An analysis on the promotion of Iran's position in the Middle East with an emphasis on smart power. *Political Science Quarterly*, 13 (40), 23-48. [In Persian]
- Nizamipour., et al. (2016). Evaluation of Iran's new advisory strategy in dealing with takfiri groups in Syria. *Protection and Security Research Quarterly*, 5(18),1-22. [In Persian]
- Noormohammadi, M., Fasihi Dolatshahi, M.A. (2017). Application of the theory of regional security complex in the analysis of problems and patterns of relations in South Asia. *Scientific Quarterly of Political and International Approaches*, 10(56),153-189. [In Persian]
- Nossel, S. (2004). Smart Power. *Foreign Affairs*, March/April .
- Nye, J.S. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affair.
- Nye, J.S. (2006). *Public Diplomacy and Soft Power*. The Annals of American Academy of Political and Social Science, No 616.
- Ramani, S. (2019). Russia's efforts to expand the Astana process in Syria. Availablein: <https://www.mei.edu/publications/russias-efforts-expand-astana-process-syria>.
- Nye, J. S. (2023). State Smart Power Strategies. Availablein:https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-99-0714-4_3.
- Sadeghi, S.S., Lotfi, K. (2014). Analysis of the positions of the Islamic Republic of Iran regarding the Syrian crisis. *Contemporary Political Essays Quarterly*, 6(1), 123-144. [In Persian]

- Salehnejad, H. (2018). The concept of intelligent power and its role in new politics. Islamic Council Research Center, serial number 16684, subject code 330. [In Persian]
- Slavin, B. (2023). Iran is still the main foreign power in Iraq. Availablein: <https://www.ispionline.it/en/publication/iran-is-still-the-main-foreign-power-in-iraq-121476>.
- Smagin, N. (2023). Moscow's Original "Special Operation": Why Russia Is Staying in Syria. Availablein: <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/01/moscows-original-special-operation-why-russia-is-staying-in-syria?lang=en>.
- Stuster, j.d. (2020). Russia, Iran, Iraq, and Syria to Share Intelligence on Islamic State. Availablein: <https://foreignpolicy.com/2015/09/28/russia-iran-iraq-and-syria-to-share-intelligence-on-islamic-state>.
- Tahhan, Z., Collins, D. (2017). Syria talks set to begin in Astana as ceasefire holds. Availablein:<https://www.aljazeera.com/indepth/features/2017/01/syriatalkssetastanaceasefireholds170122053710819.html>.
- Talbott, S., Tennis, M. (2020). The only winner of the US-Iran showdown is Russia. Availablein: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/09/the-only-winner-of-the-us-iran-showdown-is-russia>.
- Wilson, E.J. (2008). Hard power, Soft Power, Smart Power, Annals, AAPss, No 616.
- Yazdan Panah, K., Namdari, M.M. (2012). Crisis in Syria; with an emphasis on the approach of the Western system and Turkey's strategy in this country. *Journal of Islamic Awakening Studies*, 3. [In Persian]

